



درس‌رزمین حافظ و سعدی

سفر راییندرا نات تاگور به ایران

یوسف نیک فام



در سرزمین حافظ و سعدی

سرشناسه	: نیک فام، یوسف
عنوان و نام پدیدآور	: در سرزمین حافظ و سعدی : سفر رابیندرانات تاگور به ایران / پژوهش و نوشته یوسف نیکفام.
مشخصات نشر	: تهران: تمدن علمی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۴ ص. مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱۰-۱۶-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: سفر رابیندرانات تاگور به ایران .
موضوع	: تاگور، رابیندرانات، ۱۸۶۱ - ۱۹۴۱ م. -- سفرها--ایران
موضوع	: Tagore, Rabindranath-- Travel-- Iran
موضوع	: تاگور، رابیندرانات، ۱۸۶۱ - ۱۹۴۱ م. -- سفرها--ایران
موضوع	: Tagore, Rabindranath-- Travel-- Iran
موضوع	: سفرنامه های هندی
موضوع	: Travelers' writings, Indic
موضوع	: ایران -- سیرو سیاحت -- قرن ۱۴
موضوع	: Iran -- Description and travel -- *20th century
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ن ۹۴۸۷۴ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲۲۰۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۶۹۵۷۱

در سرزمین حافظ و سعدی

سفر و ابیندرانات تاگور به ایران

یوسف نیک فام



انتشارات
تمدن علم

یوسف نیک فام
در سرزمین حافظ و سعدی
سفر رایسندراتات تاگور به ایران

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸
شمارگان: ۳۳۰ نسخه
چاپ: رامین
قطع: رقعی
صفحه آرایشی: احمد علی پور

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱۰-۱۶-۱

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات
تمدن علمی

تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین -
خیابان شهدای ژاندارمری - بن بست گرانفر - پلاک ۴
تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸ - ۰۲۱



www.elnupub.com



info@elnupub.com



nashreelm

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۷
سفر تاگور به ایران.....	۹
تاگور در بوشهر.....	۲۱
تاگور در شیراز.....	۲۳
تاگور در اصفهان.....	۲۵
تاگور در تهران.....	۳۱
دیدار با رضاشاه.....	۳۹
ملاقات‌های تاگور.....	۴۰
اولین کنفرانس تاگور.....	۵۷
جشن‌ها.....	۶۳
خروج تاگور از ایران.....	۷۵
بخشی از سفرنامه تاگور.....	۷۷
گزارشهایی از سفر تاگور.....	۸۱

۸۹.....	پیوستها
۹۱.....	کنفرانسهای دینشاه ایرانی
۱۰۳.....	تدریس در شانتی نیکتان
۱۰۶.....	یکصدمین سال تولد تاگور در ایران
۱۱۳.....	کتابی که هیچ وقت نوشته نشد
۱۱۷.....	اشعاری درباره تاگور
۱۱۹.....	تجلیل از تاگور
	رشید یاسمی
۱۲۱.....	خوش آمدی رابیندرانات
	علی اکبر دهخدا
۱۲۶.....	هدیه تاگور
	محمد تقی بهار
۱۳۵.....	به رابیندرانات تاگور
	لطفعلی صورتگر
۱۳۹.....	شبی تاریک در شانتی نیکتان
	عبدالحسین سپنتا
۱۴۳.....	اسناد سفر تاگور به ایران
۲۰۱.....	عکسهای سفر تاگور به ایران
۲۱۳.....	منابع

پیش‌گفتار

رابیندرانات تاگور^۱، فیلسوف، شاعر و نویسنده هندی در سال ۱۳۱۱ خورشیدی به ایران سفر کرد. او در روز ۲۴ فروردین ماه به دعوت وزارت فرهنگ از طریق بوشهر وارد ایران شد و به ترتیب چند روزی را در شهرهای بوشهر، شیراز، اصفهان و تهران گذراند و در این سفر به دیدار آرامگاه حافظ، سعدی، تخت جمشید، مساجد بزرگ اصفهان و ساختمان مجلس شورای ملی رفت. او در گردهمایی‌ها و مجالس متعددی در تهران شرکت جست. در این سفر، پراتیما دیوی عروSSH^۲، چاکراواری^۳ منشی‌اش، جلال‌الدین کیهان سرکنسول ایران در بمبئی، دینشاه ایرانی رئیس انجمن زرتشتیان ایران در بمبئی و عبدالحسین سپنتا به عنوان مترجم او را همراهی می‌کردند. مطبوعات آن زمان به طور مفصل به چگونگی این سفر و برنامه‌های هیئت همراه پرداختند. روزنامه اطلاعات، یکی از مهم‌ترین جرائد بود که مطالب زیادی در این روزها منتشر کرد. تاگور در خطابه‌هایش به وحدت نژادی و

1. rabindranath tagore.

۲. pratima devi پراتیما همسر راتیندرانات (ratindranath)، دومین فرزند و بزرگترین پسر تاگور. تاگور از همسرش با نام مری نالینی (mrinalini) سه دختر و دو پسر داشت. مادوری لاتا (madhurilata)، رنوکا (renuka) و میرا (mira) دختران و راتیندرانات و سامیندرانات (samindranath) پسرانش.

3. chakrawarti.

فرهنگی دو ملت ایران و هند پرداخت و به تجلیل از مقام شاعری حافظ و سعدی سخنانی ایراد کرد.

تاگور و همراهانش حدود ۳۴ روز در ایران بودند^۱ و پس از عبور از مسیر قزوین، همدان و کرمانشاه عازم بغداد شدند. صنوف مختلفی از مردم، حضور تاگور را گرامی داشتند. در این سفر شعرا و ادبای نام‌آور ایرانی با قلم خود تاگور را ستودند و از او تجلیل کردند. کسانی همچون علی اکبر دهخدا، ملک الشعرای بهار، رشید یاسمی، لطفعلی صورتگر، عبدالحسین سپنتا و دیگران قطعات منظومی در بزرگداشت او سرودند.

پس از بازگشت تاگور به هند بنا به تقاضای او، استاد «ابراهیم پورداوود» در همان سال ۱۳۱۱ به هندوستان سفر کرد تا در دانشگاه تاگور به تدریس تمدن ایران باستان و زبان پهلوی بپردازد.

آثار تاگور در ایران اغلب ترجمه و به صورت کتاب منتشر شده است و حتی نمایشنامه‌هایش نیز در تالارهای نمایشی به اجرا درآمده است. یکی از این نمایشها، اجرای «پستخانه» به کارگردانی جعفر والی در سال ۱۳۴۰ به مناسبت یکصدمین سال تولد تاگور در حاشیه بزرگداشت او در دانشگاه تهران است.

۱. محمد گلبن در نوشتار «تاگور و ایران» در کتاب شناختنامه رابیندرانات تاگور که به کوشش علی دهباشی منتشر شده است به اشتباه مدت حضور تاگور در ایران را ۱۶ روز اعلام می‌کند، در صورتی که براساس اخبار و گزارشهای سفر تاگور که در سال حضور او در روزنامه اطلاعات آمده و همچنین مقاله «مسافرت تاگور به ایران» نوشته عیسی صدیق (صدیق اعلم) که در بیست و یکمین شماره سالنامه دنیا به چاپ رسیده است، به طور یقین این مدت ۳۴ روز بوده است. محمد گلبن اشتباه دیگری نیز در این مقاله دارد. او اشاره می‌کند که تاگور سفر دیگری نیز به ایران داشته است در صورتی که نگارنده جستجوهای فراوانی انجام داد و در نشریات آن زمان مانند روزنامه اطلاعات، ایران، کوشش و مجله ادبی مهر، هیچ اثری از نام تاگور در بین مدعوین کنگره فردوسی در مهرماه ۱۳۱۳ خورشیدی و افتتاح آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی نیافت؛ از این روی به یقین تاگور تنها يك سفر به ایران کرده است.

سفر تاگور به ایران



رایبندرانات تاگور در ۲۴ فروردین ماه سال ۱۳۱۱ شمسی به دعوت ایران به این کشور مسافرت کرد. در این سفر، عروس تاگور پراتیما، منشی اش چاکراواری، جلال الدین کیهان سرکنسول ایران در بمبئی، دینشاه ایرانی دانشمند برجسته زرتشتی و رئیس انجمن ایران در بمبئی و همسر و خواهرزن دینشاه همراهان او بودند.

تاگور قرار بود در سال ۱۳۱۰ به ایران سفر کند؛ اما به خاطر کسالت و عارضه قلبی و دستور پزشکی از سفر باز می ماند. وزارت امور خارجه در نامه ای به وزات داخله در دهم خردادماه ۱۳۱۰ در این باره می نویسد: «در تعقیب مراسله ۶۰۸۷ مورخه ۱۳۱۰/۲/۲۱ به استحضار می رساند آن وزارت جلیله می رساند چون رابین درانات تاگور دچار کسالت شدید و حملات قلبی شده است اطباء معالج مشارالیه را از مسافرت به نقاط بعیده منع کرده اند و به این جهت آمدن او به ایران فعلاً موقوف گردیده است.»^۱

روزنامه اطلاعات از معدود جرائدی بود که خبر حضور تاگور در ایران را با جزئیات کامل منتشر کرد. خبر عزیمت تاگور در روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۴ در صفحه ۲ روز یکشنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۳۱۱ بدین شرح آمده است:

۱. این نامه در بخش اسناد درج شده است.

«...آقای دکتر رابیند رانات تاگور به اتفاق عده‌ای از فامیل و دوستان و آقای کیهان قنسول دولت شاهنشاهی ایران در بمبئی به قصد ایران حرکت خواهند کرد. به قرار اطلاع واصله مسافرین مشارالیه به سمت ایران عزیمت نموده قرار است روز ۲۴ فروردین ماه وارد بندر بوشهر و از آنجا به شیراز عزیمت و پس از یکی دو روز توقف در شیراز و همچنین یکی دو روز توقف در اصفهان به طهران وارد شوند و مدت توقف آنها ۲۸ روز خواهد بود که در تمام این مدت از طرف مأمورین دولت شاهنشاهی از آنها پذیرایی به عمل خواهد آمد.»

در ادامه خبررسانی عزیمت تاگور محل استقرار او در اصفهان بدین شرح آمده است: «دکتر رابیند رانات تاگور از بمبئی به سمت ایران عزیمت نموده و به طوری که اطلاع داده بودیم روز ۲۴ فروردین قرار است وارد بندر بوشهر شود. بر اثر تعلیمات صادره به حکمران بنادر اصفهان و فارس و سائل پذیرایی مسافرین را فراهم نموده‌اند و به قرار اطلاع واصله در اصفهان در باغ معروف به زرشک که در سمت جنوب شهر و نزدیک به پل سی و سه چشمه اصفهان است از آنها پذیرایی خواهد شد.»^۱

کسانی برای استقبال از تاگور از تهران به بندر بوشهر در نظر گرفته شده بودند. میرزا ابوالحسن خان فروغی برادر ذکاءالملک فروغی وزیر امور خارجه و ملک الشعراء بهار و عده دیگری از ادبا و فضلاء تهران برای دیدن و استقبال از تاگور به بندر بوشهر عزیمت کردند. ارباب کیخسرو شاهرخ رئیس مباشرت مجلس شورای ملی نیز به سمت اصفهان و شیراز برای استقبال حرکت می‌کند.

«بر طبق تلگراف واصله دکتر رابیند رانات تاگور شاعر و فیلسوف بزرگ

هندی به اتفاق دختر و عروس خود و همچنین دکتر مهرمچی و آقای کیهان قونسل دولتشاهی در بمبئی روز گذشته وارد بندر بوشهر شدند. از طرف حکمران بنادر جنوب و مأمورین دولت هنگام ورود میهمانان جدید لازمه احترام و پذیرایی به عمل آمده قرار است امروز به شیراز عزیمت نموده و یکی دو روز در شیراز توقف و از آنجا به اصفهان عزیمت خواهند کرد. مسافرین مشارالیه هم بر طبق پروگرامی که برای مسافرت مزبور تهیه نموده اند قرار است در هفته آتی وارد مرکز شوند.^۱

برنامه هایی برای حضور تاگور در تهران تدارک دیده شده بود: «علاوه بر محلی که برای توقف دکتر تاگور تدارک دیده شده به قرار اطلاع حاصله از طرف وزارت معارف نیز برای پذیرایی از دکتر را ایند رانات تاگور و همراهان ایشان اقدامات لازمه به عمل آمده است که پذیرایی کاملی در خورشاعرو فیلسوف بزرگ هندی است به عمل آید. موقعی که از اصفهان به سمت تهران حرکت خواهند کرد از طرف وزارت معارف از ایشان استقبال خواهد شد. آقای اسدی^۲ عضو دارالترجمه وزارت امور خارجه برای مترجمی ایشان تعیین گردیده اند.»^۳

یکی از مراکزی که برای پذیرایی از تاگور برنامه هایی را تدارک دیده بود، انجمن ادبی ایران بود. این انجمن ادبی، محل خود را تغییر داده و به عمارت و باغ معروف نیرالدوله در ضلع شمالی خیابان ژاله نقل مکان کرده بود. تالار مجلل عمارت مذکور برای تشکیل جلسات انجمن ادبی تخصیص داده شده بود.

این انجمن قبل از ورود تاگور به تهران، کنفرانسی نیز درباره تاگور در یکی

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۸۴، پنجشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۱۱، ص ۲.

۲. محسن اسدی استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران نیز بوده است.

۳. همان.

از نشستهایش برگزار کرد که شرح آن در روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۸۵ در صفحه ۲ روز شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۱۱ بدین شرح آمده است: «به طوری که اطلاع داده بودیم انجمن ادبی ایران محل خود را به باغ نیرالدوله واقع در خیابان دوشان تپه انتقال داده و فردا شب بر حسب دعوتی که از طرف شاهزاده افسر رئیس انجمن ادبی ایران به عمل آمده است جلسه انجمن منعقد و از طرف آقای دکتر رضا زاده شفیق کنفرانسی راجع به گزارش حالات دکتر تاگور شاعر و فیلسوف بزرگ هندی ایراد خواهد شد.»

علاوه بر تاگور و همراهانش، هیئت پنج نفره‌ای نیز به ایران وارد شدند. این هیئت علاوه بر قصد گردش و سیاحت در ایران از طرف شرکت مهمی مرکب از پارسیان و زرتشتیان هندوستان انتخاب گردیده و برای مطالعات در امور اقتصادی و سایر کارهای فنی به تهران آمدند تا مطالعات خود را در قسمتهای مختلف تکمیل نموده و در صورت لزوم پیشنهادهای تقدیم دارند. سرمایه ابتدایی این شرکت در حدود دو میلیون تومان بود و رستم سانی رئیس سابق بانک ملی هندوستان که ریاست سه بانک را عهده دار بود از کسانی بود که از طرف هیئت رئیسه شرکت مزبور تعیین گردیده و برای گردش و مطالعات لازمه وارد می شد.

از طرف این شرکت، تمثالی از رضاشاه به عنوان هدیه می آورند. «... و نیز در جزو پنج نفر میسیون فوق الذکر، آقای کیخسرو فیرمنشی کل انجمن ایران لیک می باشند. از طرف پارسیان و زردشتیان هندوستان یک قطعه تمثال بزرگ اعلیحضرت شاهنشاهی با نهایت ظرافت و زیبایی تهیه و تدارک گردیده تا در این موقع که عده‌ای از زردشتیان برای تماشای وطن خود به ایران می آیند تمثال مزبور را حضور اعلیحضرت همایونی به نام پارسیان و زردشتیان تقدیم دارند. تمثال اعلیحضرت همایونی به وسیله نقاش پارسی، بی تا والا به بهترین طرز جالبی ترسیم گردیده و به طوری که اطلاع می دهند

یک روز قبل از آنکه تمثال مزبور را به ایران ارسال دارند، تمثال را برای تماشای عموم در انجمن گذاشته و هزاران نفر پارسیان و زردشتیان برای تماشای تمثال و اجرای مراسم احترام در انجمن ایران لیک حضور یافته‌اند. آقای کیخسرو فیتزمنشی کل انجمن حامل تمثال و تقدیم احساسات زردشتیان و پارسیان هندوستان به پیشگاه همایونی می‌باشند.^۱

گویا برای پرداخت هزینه‌های سفر تاگور و همراهانش در شهرها نماینده‌ای از طرف حکومت همراه آنان بوده که عهده‌دار هزینه‌ها بوده است. در تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۱۰ از طرف کفیل حکومت عراق (اراک)، عبیدی به وزارت داخله درباره چگونگی تأمین مخارج سفر تاگور و همراهانش و محل هزینه کرد پذیرایی از آنان در اسناد کتابخانه ملی تلگرافی وجود دارد که هم در هاشم آن و هم در تلگراف جوابیه‌ای که در تاریخ ۲۶ دی به حکومت عراق ارسال شده چنین نوشته شده است: «جواب بدهید اساساً اعتبار مخارج به نماینده دولت که همراه مسافری است داده شده حکومت باید محل و منزل را با وسائل لازمه تهیه و قبلاً حاضر نماید هرگاه از این حیث پاره‌ای مخارج جزئی تعلق بگیرد ممکن است از طرف بلدیّه پرداخته شود»

برنامه‌های دیدار در شهرهای اصفهان و شیراز بدین گونه اعلام شده بوده است: «به طوری که اطلاع یافته‌ایم تاگور و هیئتی که در همراه ایشان هستند یک روز در کازرون توقف خواهند کرد و دو روز در شیراز برای تماشای آثار تاریخی تخت جمشید توقف می‌نمایند. سپس به اصفهان عزیمت نموده و یک روز هم در اصفهان برای تماشای آثار تاریخی صفویه اقامت خواهند کرد و بعد به طهران عزیمت می‌نمایند.»^۲

محل اقامت و پذیرایی از تاگور و همراهانش در تهران نیز بدین شرح اعلام

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۸۵، شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۱۱، ص ۱.

۲. همان.

شده بود: «کانون ایران باستان که چندی است تحت نظر آقای سیف آزاد تأسیس گردیده از طرف دولت برای اقامت و پذیرایی از تاگور تعیین شده است. و نیز عمارتی جنب عمارت کانون ایران باستان برای پذیرایی از سردینشاه و دو خانمی که همراه ایشان می‌باشند اختصاص یافته است.»^۱

دکتر صادق رضا زاده شفق استاد دانشگاه تهران در روز ۲۸ فروردین در محل انجمن ادبی ایران در خیابان دوشان تپه، جنب کوچه مریضخانه آمریکایی در منزل شاهزاده نیرالدوله به مناسبت ورود تاگور خطاب به ایراد می‌کند و در شیراز موفق به دیدار او می‌شود. او درباره دیدارش در مقاله «زرتشت از نظر تاگور» چنین می‌نویسد: «... موقعی که در شیراز بود من هم در مجلس انجمن ادبی طهران شرحی در باب شاعر و آثارش صحبت کردم و پس از ورودش دانشمند پارسی مأسوف علیه دینشاه ایرانی وسیله شد که به دیدار آن بزرگمرد بینا دل نائل آمدم. از من پرسید آیا هندوستان را دیده‌اید؟ پس از تأملی گفتم بلی. پس چیزهایی راجع به هند اظهار داشتیم. یکباره تبسمی نمود و گفت معلوم می‌شود شما کتاب خاطرات مرا خوانده‌اید. گفتم بلی این است هندوستانی که من دیده‌ام! همراهان من مرحوم اقبال آشتیانی و آقای حسن فرزانه بودند و تصمیم داشتیم آنچه امکان دارد کم صحبت کنیم و مجال بدهیم تا وی سخن گوید و ما استفاده کنیم. شاعر حکیم هند صحبت‌های خوب سودمندی نمود و از ایران و فرهنگ ایران ستایش فرمود. در طی صحبت موقع آن رسید ما هم پرسشی از او به عمل آوریم. گفتم به نظر شما یا دو تمدن یا فرهنگ موجود است یعنی تمدن غربی و تمدن شرقی یا یک تمدن واحد جهانی داریم؟ در پاسخ گفت مسلماً تمدن واحد هست که تمدن بشری است و پایه و بنیان آن یکی است و اختلافات

تمدن ملتها یا شرق و غرب اختلافات محلی و ظاهری است. چون موقع تودیع نزدیک شد از من پرسید تازه ترین کتاب او را در باب دین بشر که یکسال پیش از آن تاریخ انتشار یافته بود) خوانده ام یا نه؟ سالها گذشت تا آن کتاب را خواندم. در این کتاب شاعر نظرش توجیه عالم معنوی است که بهترین راه پی بردن به آن از ضمیر خود انسان ممکن است و درست مانند تعالیم عالی عرفانی ما که فرمود: من عرف نفسه فقد عرف ربه ما را دعوت به خودشناسی می کند... موضوع دوم که تا گور در کتابش مطرح می سازد همانا واحد و عالمگیر بودن حقیقت معنویت است و این بحث مفصلی در باب دین قدیم ایران یعنی دین زرتشی دارد که آن را از ادیان جهانی و انسانی می نامد و تعلیم اخلاقی آن را از لحاظ الزام جهاد اخلاقی در راه نیکی و کوشش بر ضد بدی می ستاید.^۱

سعید نفیسی قطعه ای ادبی در دو قسمت با نام «بازگشت گل به گلستان» در شماره های ۱۵۹۷ و ۱۵۹۸ روزنامه اطلاعات به مناسبت ورود تا گور و هیئت همراه منتشر کرد. او در بخش پایانی قسمت دوم از این قطعه چنین می نویسد: «...ای طوطی شکرخای که از دیار هندوستان آمده ای و گل گلبن ما را به ما بازآورده ای! جای آن دارد که جان در پای تو بر افشانیم. ای نوگل تازه رسیده ما! ای گلی که دور از گلستان خویش در پای آن شاخسارهای خرم که طوطیان شکرریز بر آن نغمه سرایی می کنند، رسته ای و اینک به گلشن خویش باز می گردی. ما تو را در آغوش خویش جای می دهیم. ما گرد راه از دامن تو سرشک دیده می افشانیم. ما راه تو را به نوک مژه می روییم و کف پای نازنین تو را چشم خویش می نمائیم. گرد ره تو توتیای دیدگان ماست. بیا تا با هم بنشینیم، گاهی از دردهای دیرین سخنی بگوئیم و گاهی

از شادی امروز خویش بنازیم. بیا تا سخن از زرتشت و اوستای خویش گوئیم و با هم سرود زند خوانیم و به یاد پیرمغان می مغانه کشیم... بیا تا جوانی از سرگیریم و و بار دیگر شور عشق سیاوش و سودابه و بیژن و منیژه زیانزد جهانیان گردانیم. بیا تا بار دیگر در شبستان کعباد رخ از شرم برافروزیم و به نیروی پاکی دامان خویش از هر خرمن آتش بگذریم. بیا تا بار دیگر داستان رستم و پیکار دیوان و دادن را هفت خوانی دیگر سازیم و نقش والرین را بر در و دیوار سرای خویش نوکنیم. بیا تا گرد هم بنشینیم تو از اسکندر و روشنک گوی و ما تو را از خالد و سعد و چنگیز گوئیم. بیا تا تو با ما از زرتشت اسپنتمان و ما را سپند و بزرگمهر و روزبه و باربد و نکیسا سخن گویی و ما با تو از فردوسی و سعدی و حافظ و ابن سینا و ابوریحان داستان زنیم. تو کام ما را از آن گفته پهلوانی مرزبانان و دهقانان هری و طوس شاد کن و ما از آن قند پارسی که به بنگاله می رفت دهان تو را شیرین کنیم. طهران - ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱»

مخالفت‌هایی نیز با سفر تاگور به ایران بود. یکی از مخالفان ابوالقاسم لاهوتی بود. لاهوتی در جریده پیکار که در برلین آلمان منتشر می شد، با عنوان «مکتوب سرگشاده به رابیندرانات تاگور» می نویسد: «از قراری که جراند هندوستان خبر می دهند حکومت رضاشاه با اصرار و ابرام شما را به مسافرت به ایران دعوت نموده است. به این مناسبت وظیفه انقلابی خود می دانم که توجه شما را به چند نکته که حاوی اوضاع ایران کنونی است معطوف نمایم. حکومت مرتجع و استبدادی رضاشاه که جنبش دهاقین و کارگران ایران را با شمشیر و آتش سرکوبی نموده و تسلط ضحاک‌ی را دو مرتبه در ایران برقرار نموده است در نزد عامه ملت ایران هیچ اعتبار و آبرویی را دارا

۱. متن این نامه را استاد گرامی کاوه بیات در اختیار پژوهشگر قرار داد.

نبوده بلکه بی‌نهایت مورد حقد و کینه توده ملت ایران می‌باشد. آزادی قلم و افکار در دوره حکومت این قهار از صفحه ایران محو شده و صدها عناصر زحمتکش و آزادیخواه فقط به جرم مخالفت با حکومت استبدادی در گوشه سیاه چالها به عقوبتی که خارج از وصف است گرفتار هستند. از این سبب منظور عمده حکومت رضاشاه از دعوت شما به ایران آن است که از نام نیک و شهرت آفاقی شما سوء استفاده نموده بدینوسیله برای خود بین توده ملت کسب آبرو بنماید. مسافرت شما در اتحاد شوروی و اینکه شما با نظر باز ترقیات سوسیالیستی شوروی را مشاهده و تمجید نمودید، حکومت استبدادی و ظالمانه پهلوی را به این خیال انداخته است که در صورتی که به ایران مسافرت ننمائید درباره اصول جابرانه و توحش حکومت او هم همین وظیفه را عهده‌دار خواهید بود. با این گمان است که با اصرار و ابرام شما را به ایران می‌طلبند. اگر شعرا و نویسندگان حقیقی نماینده افکار مترقی آن عصر و زمان بوده وظیفه تاریخی آنها آن است که قلم آزاد خود را مانند شمشیر بران برای آزادی و رفاه ملت مورد استفاده قرار دهند، پس شایسته مقام یک شاعر مترقی مانند شما نیست که خود را وسیله استفاده حکومت استبدادی قرار داده و بلاواسطه موجب تقویت اخلاقی حکومت ظلم و جور بگردید. ملت ایران که در روزهای کنونی برای آزادی خود با امپریالیزم انگلیس و حکومت فئودالی مبارزه می‌نماید و در این مبارزه سرنوشت خود را با آزادی ملت سمتکش هندوستان که نیز در چنگال خونین امپریالیزم انگلیس گرفتار است مربوط و وابسته می‌داند، از شخص شما مانند یک شاعر مترقی آزادیخواه انتظار دارد که دعوت این رژیم قهار را به صورت خونین او پرتاب نموده همان طور که فراخور حال او است جواب لایق او را به او بدهید. ملت زحمتکش ایران روزی از شما دعوت نموده و شما را با آغوش باز در ایران

خواهد پذیرفت. ولی آن روز روزی است که پرچم حکومت دهاقین و کارگران
در ساحت ایران در اهتزاز درآید. امضا لاهوتی.^۱

۱. پیکار، سال اول، شماره ۱۰، ۹ امرداد ۱۳۱۰.

تاگور در بوشهر

تاگور روز چهارشنبه ۲۴ فروردین وارد بوشهر می‌شود. یکی از بازدیدهای تاگور در بوشهر از مدرسه سعادت ملی این شهر بود: «در یکی از روزها، مدرسه را به اصطلاح آب و جارو کردند. جنب و جوش و رفت و آمد فوق‌العاده‌ای به چشم می‌خورد و رئیس معارف و مدیر مدرسه و معلمین در سالن مدرسه که اداره مرکزی نامیده می‌شود، تشکیل جلسه دادند و درباره ورود یک شخصیت ممتاز و بنام علمی و ادبی که از راه دریا از هندوستان وارد بوشهر خواهد شد و به مدرسه خواهد آمد گفتگو و تبادل نظر می‌کردند. این شخصیت دینی، علمی، ادبی و فرهنگی و فیلسوف بلندآوازه، "تاگور" بود. سرانجام تاگور، این مرد شعر و ادب و فلسفه و این دانشمند بلندآوازه هندی در حالی که جنرال کنسول و کنسول بریتانیا در بندر بوشهر و میرزا احمد خان، امیرالبحر دریایی و رؤسا و فرماندهان کشوری و لشکری این بندر وی را همراهی می‌کردند، وارد مدرسه سعادت ملی بندر بوشهر شد و از سوی رئیس معارف و مدیر مدرسه و معلمین مورد استقبال قرار گرفت. ابتدا به افتخار وی محصلین سرود خواندند، موزیک نواختند و در برابرش رژه رفتند. تاگور با خوشحالی و مسرت و با اشتیاق و علاقه به کلاسها سرکشی کرد و به وسیله میرزا علی فرجاد خوان، صاحب منشی اول جنرال کنسولگری، با معلمین و محصلین به مذاکره پرداخت و صحبت کرد و سپس در سالن

بزرگ مدرسه که محل تئاتر، اجتماعات و سخنرانی‌ها بود به سخنرانی پرداخت و از بنیانگزاران و دست‌اندرکاران این مؤسسه فرهنگی برای ایجاد مدرسه متوسطه سعادت ملی بوشهر تشکر و قدردانی کرد. از سوی جنرال کنسول به افتخار ورود تاگور به بوشهر و حضور در مدرسه هدایا و جوایزی به شاگردان اول و دوم کلاسهای مدرسه اهداء شد. خاطره ورود تاگور به مدرسه سعادت در جراید آن روز تهران منعکس گردید و روزنامه فارسی زبان حبل‌المتین چاپ کلکته هندوستان نیز اخبار مفصلی در این باره به چاپ رساند و این خبر مهم مدتها بر سربازانها و نقل محافل و مجالس بود.^۱

۱. یار احمدی، جهانشیر. نمایش در بوشهر: از آغاز تا امروز. بوشهر: دریانورد، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷.

تاگور در شیراز

تاگور و همراهانش سه روز را در بوشهر می‌مانند و در روز شنبه ۲۷ فروردین به شیراز می‌رسند. «بر طبق اطلاعات واصله آقای رابیندرانات تاگور فیلسوف مشهور هندی با همراهان خود به شیراز وارد شده‌اند. سردینشاه زرتشتی که از برجستگان پارسیان هندوستان و در طریق وطن پرستی و ایران خواهی مساعی کاملی به خرج داده‌اند در معیت تاگور به ایران وارد شده‌اند. بنابراین مهمانهایی که تا چند روز دیگر از هندوستان خواهند رسید تاگور و عروس ایشان، سردینشاه و خانم ایشان و خواهر خانم ایشان می‌باشند.»^۱

گزارش کوتاهی از حضور تاگور و هیئت همراه در چهارشنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۱۱ در صفحه ۲ شماره ۱۵۸۸ روزنامه با عنوان تفصیل پذیرایی در شیراز به این شرح آمده است: «به قرار اطلاع واصله از شیراز هنگام ورود دکتر تاگور و دینشاه ایرانی و همراهان ایشان به شیراز پذیرایی گرم و باشکوهی از طرف بلدییه شیراز و مأمورین مربوطه از میهمانان تازه وارد به عمل آمده است. عمارت مقبره سعدی جهت ورود آنها تزئین و عصر روز ۲۸ جاری از دکتر تاگور و دینشاه ایرانی و همراهان ایشان دعوت و پذیرایی مفصل عمل آمده در مجلس ضیافت مذکور نطقهایی از طرف مأمورین مربوطه ایراد و از جانب

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۸۵، شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۱۱، ص ۱.

میهمانان محترم جوابهایی داده شد که ضمناً توجهات ذات اقدس ملوکانه و ترقیات روزافزون مملکت شاهنشاهی و پذیرایی صمیمانه و مهمان‌نوازی دولت و ملت ایران را یاد و تشکر نمودند. از طرف بلدیۀ شهریک جلد کتاب سعدی خطی تذهیب شده به دکتر تاگور و یک جعبه خاتم طلاکوب نیز به سردینشاه به رسم هدیه و یادگار تقدیمشان گردیده است.

تاگور در شیراز در بازدید از پرسپولیس با پروفیسور هیتسفیلد که در آنجا مشغول حفاریهای باستان شناسانه بوده روبه‌رو می‌شود. تاگور پس از دیدار با او تلگرافی با این متن می‌فرستد: «از مهمان‌نوازی و پذیرایی شما متشکرم و مسامحی شما که افکار تازه‌ای به بشریت می‌دهد و راه جدیدی در تاریخ باز می‌کند در من بسیار تأثیر بخشید. امیدوارم قبل از مراجعت از ایران بتوانم یک بار دیگر به ملاقات شما موفق شوم. سلام و تحیت صمیمانه مرا بپذیرید.»^۱

در بخش تلگرافات ولایات روزنامه اطلاعات، چگونگی حضور در کازرون در روزنامه بدین شرح آمده است: «آقای دکتر تاگور هندی و همراهانشان امروز چهار و سه ربع بعد از ظهر وارد کازرون و در باغ نظر خارج شهر پیاده شدند. از طرف هیئت اتاق تجارت شیراز قبلاً وسائل و لوازم پذیرایی در همان باغ تهیه گردیده، شب را در کازرون توقف داشتند.»^۲

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۰۱، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۱، ص ۲.

۲. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۸۶، ۲۹ فروردین ۱۳۱۱، ص ۲.